

کیمیا

بحث شرور و رابطه آن با وجود و صفات خدا، از مسائل مهمی است که ذهن متفکران را همواره به خود مشغول کرده است. در حال حاضر که جوامع بشری گرفتار بیماری کرونا است، رابطه شر و دعا در جامعه جهانی به‌طور عموم و در جوامع ایمانی به‌طور خصوص، دارای اهمیت است. امروزه سؤالاتی – مانند اینکه آیا در جامعهٔ کنونی با پیشرفت علم و تکنولوژی دیگر نیازی به دعا برای درمان بیماری‌ها هست؟- آیا دعا با جاگزین مداوای مادی بیماری می‌شود؟- مطرح است. در مقاله پیش‌رو این‌که ششده که سنت الهی، بر درمان بیماری‌ها به وسیله داروها است و عدم رجوع به آن، نشانه عدم عقلانیت است؛ اما دعا نیز با فراهم بودن جمیع شرایط در درمان برخی بیماری‌ها مؤثر است و این تأثیر در راستای قانون اسباب و مسببات و از سنن دیگر الهی در درمان بیماری‌ها است. علاوه بر این کارکردهای دیگری برای دعا مانند در امان بودن از وسوسه‌های شیطان، کسب آرامش، امید به زندگی و تقویت سیستم ایمنی بدن، وجود دارد.

تاریخ و پیشینه بحث از شرور به بلندی تاریخ انسان است. در حوزه دین‌پژوهی، بحث شرور و راز و فواید آن و نیز رابطه آن با وجود خداوند و صفات او و توجیه اخلاقی وجود شر، از مسائل بسیار مهمی است که ذهن متفکران را همواره به خود مشغول کرده است. معضل شر و درد و رنج، ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که پژوهشگران در طول تاریخ به آن پرداخته‌اند؛ اما رابطه شر و درد و رنج و دعا از مسائلی است که کمتر بدان پرداخته شده است. اهمیت این بحث زمانی دو چندان می‌شود که جامعه جهانی را بیمارانی به نام کرونا درگیر خود ساخته است. جامعهٔ انسانی نیز علاوه بر گرفتاری در مواجهه با این بیماری، گرفتار برخی از شبهات در این زمینه نیز شده است. شبهاتی از قبیل اینکه فلسفه ادعیه در رفع برخی از بیماری‌ها چیست؟ آیا در جامعه کنونی که علم و تکنولوژی پیشرفت شگرفی کرده است، دیگر نیازی به دعا برای درمان یا بهبود بیماری‌ها هست؟ آیا واقعا دعا جایگزین مداوای مادی بیماری می‌شود؟ آیا ادعیه موجود در درمان برخی از بیماری‌ها،مستخره‌گرفتن جامعهٔ پزشکی محسوب نمی‌شود؟ پاسخ به چنین شبهاتی از چند جهت دارای ضرورت است:

الف) محافظت از دین در مقابل شبهات؛

ب) محافظت از ایمان مردم متدین؛

ج) گرایش به دین مخصوصاً دین اسلام به‌واسطه آشکار ساختن فلسفه ادعیه در کلام معصومان(ع).

بنابراین این نوشتار جامعه هدفی به گستره تمام بشریت دارد. این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که‌ادعیه در بهبود و درمان شرور و درد و رنج‌ها، مخصوصاً در مورد بیماری کرونا چه جایگاهی دارد؟ در کتاب‌های ادعیه، دعا‌های مناسب هر درد و بیماری وجود دارد. مثلاً برای درد دندان و آزاد شدن از زندان و رفع ضرر و زیان. حال سؤال این است که فلسفهٔ این دعا‌ها چیست؟ آیا در دنیای معاصر با رشد علم پزشکی و تکنولوژی باز به این دعا‌ها نیاز‌مندیم؟ و یا اینکه بسیاری از مردم هنگام بیماری و رنج برای نمونه کرونا به حضرات ائمه معصومین(ع) متوسل می‌شوند؟ آیا توسل، در هنگام درد و سختی امر درستی است؟ حتی برخی از افراد، کار را بدینجا کشانده‌اند که در برخی اجتماعات دانشجویی اغوا و اغواء به سرخوردن گرفته‌اند و از برای این دعا و توسلات فلسفه و حکمتی وجود ندارد؟

برای پاسخ به این سوالات، نکاتی را ذکر می‌کنیم:

فارابی، فیلسوف بزرگ اسلامی در این‌باره می‌گوید: «خدا که در قدرت و حکمت و علم خود تام است، تمامی افعال او کامل و بدون نقص و عیب است. آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است. عالم ماده نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد.» (تعلیقات، فارابی، تحقیق: جعفر الیاسین، ص ۲۴)

از این‌رو، انسان در طول زندگی خود ممکن است دچار انواع بیماری‌ها و درد و رنج شود. خداوند برای رفع درد و رنج تا حد ممکن وسایل و ابزارهای پهبودی آن بیماری را در این عالم فراهم کرده است که باید از آنها استفاده کرد. حال اگر انسان دچار بیماری و درد و رنج شود و برای رفع آن از داروهای طبیعی و خودساخته بشری استفاده نکند، در عقلائیست او باید تردید کرد و اگر آن فرد، عاملدانه از



است که خود متعم (خداوند متعال) آن را معین کرده باشد

که در شرایع آسمانی آمده است. از سوی دیگر عبادت مستلزم شناخت واقعی خداوند و تبعیت از کمالات واقعی و اجتناب از ردایل است. اگر همه کارهای انسان صیغهٔ الهی پیدا کند، عنوان عبادت بر آنها صدق می‌کند و اگر در اسلام نماز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، به این دلیل است که در نماز و اجرای تمام وجود انسان، اعم از جهات بدنی و ظاهری و جهات ذهنی و قلبی و باطنی، در خدمت خدا قرار می‌گیرد و نیز در واقعیت آن، اجتناب از ردایل نهفته است (البته قصه عبادت ظاهری و مناقضات متفاوت از عبادت واقعی خداست). از این‌رو، خدا و راه او و هر چه را که ما را به مقام قرب الهی برساند، نیکو و خیر است.

شیطان، مظهر انحراف و اغواگری

شیطان مظهر انحراف و اغواگری انسان‌ها است که اگر ما لحظه‌ای از کید وسوسه‌های شیطانی غافل شویم، ممکن است از راه الهی که همان راه مستقیم است، فاصله بگیریم. شیطان اعلام کرده است که من همه انسان‌ها را اغوا و اغواء می‌کنم، مگر بندگان مخلص خدا را که بر آنها سلطه ندارم. (سوره ص: ۸۲- ۸۳)

و نیز شیطان، اعمال نادرست را به‌گونه‌ای زینت

می‌دهد که ممکن است، در هر لحظه ما را از مسیر توحید

و راه درست منحرف گرداند.(عنکبوت: ۳۸)

با تأمل و دقت در دعا‌های مخصوص بیماری، نتیجه می‌گیریم که اولاً یکی از سنن الهی در درمان بیماری‌ها همین دعا‌ها هستند که البته به صورت نادر و با فراهم شدن جمیع شرایط تحقق می‌یابد.

ثانیاً توحید و ابعاد آن در همهٔ احوال حتی در هنگام بیماری باید مدنظر باشد و نباید هیچ‌گاه

از یاد خدا غافل شد. یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده انسان را بر قوی‌تر و هم ابعاد توحید را بر

او آشکار می‌سازد و هم عاملی

برای دوری از وسوسه‌های شیطانی است که در قرآن

سفارش شده است.

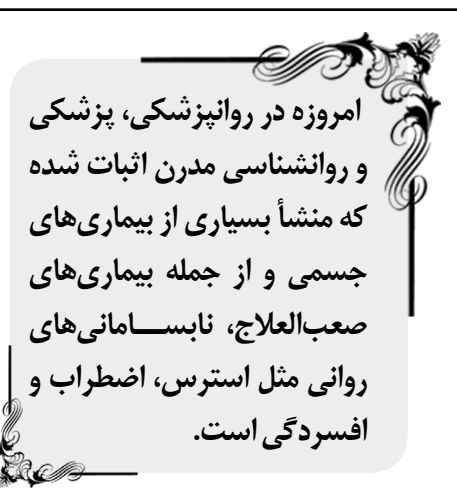


داروها و ابزارهای مناسب برای حفظ جان خود استفاده نکند، به احتمال زیاد مصداق نوعی خودکشی است که مورد ملامت قرآن قرار گرفته است: خود را با دست خود به هلاکت میکشید.» (بقره: ۱۷۵)

بسیاری از فیلسوفان و متفکران، رنج و درد را بر شر هسان می‌دانند که به نظر درست نیست. درد و رنج یک واقعیتی است، اما بد و شر نداشتن آن نیازمند یک جهان‌بینی و ایدئولوژی و نیز دیدگاه فلسفی

معارف

Kayhan@MaarefKayhan.ir



آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را آنیزا معلوم دارد»(عنکبوت: ۳۷-۳۸)؛ و یاد را آیه دیگر می‌فرماید: «و به‌طور قطع شما را به چیزی از اقبیل اُترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکایبان را». (بقره: ۱۹۵)

از آیات قرآن می‌آید که خداوند در این دنیا ما را با انواع رنج‌ها و مصیبت‌ها آزمایش می‌کند. البته رنج و مصیبت به خودی خود شر نیست. آنها هنگامی شر می‌شوند که ما را از راه خدا باز بدارند.

در زمانی که ما با رنج و مصیبت آزمایش می‌شویم، شیطان دست به کار می‌شود و با انواع وسوسه‌ها سعی می‌کند ما را از خدا دور سازد. مؤمنان واقعی کسانی هستند که در این آزمایش‌ها قریب شیطان را نمی‌خورند

و پناه به خدا می‌برند.

آیات قرآن به ما آموزش می‌دهد که در این مواقع؛ یعنی در هنگام رنج و مصیبت و وسوسه‌های شیطانی به خدا پناه ببریم و خدای ناکرده به انحراف کشیده نشویم (اعراف: ۲۰۰، فصلت: ۳۶).

شیوهٔ طبیعی و رایج برخورد با دردها
در این شیوه برخورد با دردها و بیماری‌ها، انسان از امکانات و داروهای موجود طبیعی (و غیرطبیعی) در این دنیا که خداوند متعال در اختیار او قرار داده است استفاده می‌کند. این نوع برخورد روشی عقاقلانه و یکی از سنت‌های جاری الهی در عالم است. اساساً نظام جهان بر پایهٔ تنجیره اسباب و مسببات سامان گرفته و جریان دارد. در این نظام هر معلولی علت یا عللی دارد. حوادث طبیعی، چه سودمند و چه زیانبار، دارای زمینه‌ها و عللی است که از آن تخلف نمی‌کند. البته علل حوادث در علت‌های مادی منحصراً نیست؛ و بسیاری از حوادث طبیعی زمینه‌ها و علل معنوی هم دارد؛ هر چند علل معنوی همواره توسط علل مادی اثر می‌کند. مثلاً بی‌اعتنایی به امور اخلاقی، ظلم‌ها و حق‌کشی‌های فراگیر، ممکن است موجب کاهش باران و خشکسالی شده و از این راه بر رشد منفی نیازمندی‌های غذایی یک جامعه تأثیر منفی بگذارد. بر این اساس سنت‌های الهی در همه جای جهان به یک منوال است و استثنایی در آن نیست. حتی در اموری که ما آن را استثنا می‌پنداریم، باز براساس سنت و سببی انجام می‌گیرد. از این‌رو مراجعه به متخصصان در هر علمی طبق روال طبیعی زندگی در عالم دنیا است. اساساً مراجعه به متخصصان در هر علمی از سنن جاری در عالم دنیا قلمداد می‌شود. همان‌طور که انسان در هنگام خرابی خودروی خویش بدون هیچ تأملی سراغ تعمیرگاه رفته و در آنجا خدمات پزشکی می‌تواند بیماری‌ها را از بین ببرد. مشکلات روان‌شناختی موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن شده و بدن را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. اعتقادات دینی، دعا، مناجات و دعا و توسل به ارواح پاک علاوه بر اثر معنوی و تکوینی، عامل مهمی در آرامش،امید واحساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک فراوان می‌کند. افراد بی‌دین و مذهب، به سبب اینکه در بحران‌ها ممکن است خود را بی‌توان و احساس استرس و ناامیدی کنند، نسبت به مؤمنان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند. برای نمونه روانشناس برجستهٔ مغرب‌زمین کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵م - ۱۹۶۱م) در این‌باره می‌گوید: «در میان همه بیماران که در نیمهٔ زندگی خود بودند؛ یعنی بالای۳۵ سال حتی یکی وجود نداشت که مشکل او پس از نوجویی از همه وسایل دیگر، یافتن چشم‌اندازی دینی به زندگی نبوده باشد. با اطمینان می‌توان گفت که در یک از آنان بیمار شده بودند؛ زیرا چیزی را از دست داده بودند که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود آموخته بودند و هیچ یک از آنان تا هنگامی که دیدگاه دینی خود را از نو باز نیافتند، واقعاً شفا پیدا نکردند.»(تفکر دینی در قرن بیستم، مک گوری، ترجمه پرهاد سالکی، ص۱۶۵)

بنابراین با تأمل و دقت در دعا‌های مخصوص بیماری، با فراهم شدن جمیع شرایط تحقق می‌یابد. ثانیاً توحید و ابعاد آن در همهٔ احوال حتی در هنگام بیماری، باید مدنظر باشد و نباید هیچ‌گاه از یاد خدا غافل شد. یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده انسان را قوی‌تر و هم ابعاد توحید را بر او آشکار می‌سازد و هم عاملی برای دوری از وسوسه‌های شیطانی است که در قرآن سفارش شده است(فلق: ۲-۳) و ثالثاً ادعیه، عامل مهمی برای آرامش، اطمینان خاطر، امید و قدرت روحی و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن انسان می‌انجامد.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به‌دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.

۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را امن سازد.

۳. خداوند، نظم هستی را مستقر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.

۴. درد و رنج با شرر هسان نیست، چه‌بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آنها را طلب می‌کند.

جمع‌ب